

نگارخانه

فصلنامه علمی

وابسته به بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)

سال سوم، بهار ۱۴۰۲

شماره هشتم

- قلمرو آزادی در فقه، اخلاق و رسانه / سید محمد حسینی دره‌صوفی
- نقش مباشر و سبب در ارتکاب جرم قتل / محمد علی علی‌دادی
- تاثیر خانواده بر اخلاق و شخصیت افراد / ابراهیم افتخاری
- گونه‌های بهره‌گیری از فقه در حل تعارضات اخلاقی / سید رضی قادری
- سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام / جعفر ناطقی
- ملاک تقویم مال و چالش‌های قرار وثیقه غیر نقدی / محمد آصف افتخاری
- مشروعیت اطاعت از مافوق در دستگاه اداری از منظر فقه اهل‌بیت / سید رضا علوی

عنوان: فصلنامه علمی نسیم کوثر
مدیر مسئول و سردبیر: سید محمد حسینی دره صوفی
ویراستار: سید محمد نقوی
گرافیسیت: سید محمود محسنی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۳۰,۰۰۰ تومان

صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی خدماتی امام حسن عسکری (ع)
شماره تماس: ۰۰۹۸۹۳۵۳۹۶۹۷۷۶

سایت فصلنامه: nasimekosar.blog.ir

ایمیل: nasimkosar1399@gmail.com

دفتر مرکزی و محل چاپ: ایران: قم، شهر قائم، ۱۲ متری شهید رجایی، پلاک ۵۲، واحد سوم

راهنمایی نویسندگان و شیوه نامه نگارش فصلنامه علمی نسیم کوثر

۱. مقاله قبلا در نشریه دیگری به چاپ نرسیده یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد.
۲. مقاله دارای عنوان، چکیده به زبان فارسی، واژگان کلیدی، مقدمه، متن اصلی، نتیجه گیری، منابع و ماخذ باشد.
۳. مقاله در برنامه word و باقلم IR lotus و اندازه ۱۴ نازک بوده. و عنوان مقاله با قلم B Titr و اندازه ۱۴ تایپ شود.
۴. حجم هر مقاله حداقل ۱۲ و حداکثر ۲۲ صفحه باشد.
۵. کلمات کلیدی بین ۴-۷ کلمه و بصورت فارسی باشد.
۶. چکیده فارسی، از ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه باشد.
۷. عناوین اصلی و فرعی شماره بندی چند سطحی شود و هیچ عنوان بدون شماره نباشد.
۸. معادل انگلیسی اصلاحات و مفاهیم علمی رایج پانویس شود.
۹. ارجاع به منابع درون متنی باشد. داخل پرانتز، نام خانوادگی، سال انتشار و شماره صفحات ذکر شود. مثال (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۶، ۱۰۰).
۱۰. فهرست منابع و ماخذ، به ترتیب الفبای نام خانوادگی نویسندگان، باشد (الف). کتابها: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال انتشار، عنوان کتاب، (بصورت توپر)، نام خانوادگی مترجم یا مصحح، نام مترجم یا مصحح، شماره جلد، محل انتشار و ناشر. مثال: هارت، هربت، ۱۳۹۰، مفهوم قانون، راسخ، محمد، تهران، نشر نی.
- ب). مقالات: نام خانوادگی، نام، سال انتشار، عنوان مقاله، (بصورت توپر)، نام مجله، شماره مجله و شماره صفحات اول و آخر مقاله. مثال: رضایی، محسن، ۱۳۸۵، روش تجربی، فرهنگ مدیریتی سال چهارم، شماره دوازدهم، ۱۷۲، ۱۸۹.
۱۱. در زیر عنوان مقاله اسم نویسنده یا نویسندگان و در قسمت پاورقی ایمیل و سمت پژوهشگر و همچنین مشخص نمون نویسنده مسئول. (به عنوان مثال حسینی، سید محمد، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم).
۱۲. مقالات بیانگر آرا و نظرات نویسندگان است و فصلنامه نسیم کوثر مسئولیتی ندارد.
۱۳. نقل مطالب نشریه با ذکر منبع بلامانع است.

اعضای هیأت تحریریه:

۱. سید محمد حسینی دره صوفی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، نخبه و پژوهشگر برتر در دانشگاه بین المللی المصطفی. قم
۲. دکتر سید رضی قادری، دکتری فلسفه اخلاق از دانشگاه باقر العلوم، سطح چهار فقه و اصول حوزه، استاد سطوح عالی حوزه. قم
۳. محمدعلی علیدادی، دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۴. محمد اسماعیل حلیمی، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، جامعه المصطفی العالمیه. قم
۵. حفیظ الله محمدی، سطح چهار، دانشگاه خاتم النبیین. کابل
۶. قربانعلی مبلغ. کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه. قم.

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام

جعفر ناطقی^۱

چکیده

از جنگل به خانه (سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام) جستاری است که با نگاه اجمالی به فرم زناشویی در تاریخ، الگوی اسلامی آن را بر می‌رسد. این نوشتار در اصل برای این تدوین شده که به پرسش "چرایی عدم جواز چندشوهری در اسلام" پاسخ دهد، اما به دلیل پیوند این مسأله با موضوع "تعدد زوجات" به بررسی آن نیز پرداخته است. دست‌یافته‌های مقاله در موضوع مذکور این است که با توجه به طبیعی بودن میل ازدواج در بشر، این امر در شکل‌های مختلفی چون کمونیسم جنسی، چندشوهری، تعدد زوجات و تک‌همسری قابل صورت‌بندی بوده است. از میان این فرم‌ها، تک‌همسری بهترین شکل زناشویی بوده و در مقابل، کمونیسم جنسی در هیچ تاریخی صورت قانونی پیدا نکرده است. تعدد زوجات، در اثر ضرورت‌های اجتماعی سابقه دیرینه در تاریخ کشورهای شرقی دارد و دین اسلام نیز بر مبنای همین ضرورت‌ها، اما با معیارهای مشخصی آن را به رسمیت شناخته است. چندشوهری، اگرچه به گونه‌ی مقطعی در برخی مناطق رواج یافته، ولی به صورت فراگیر دارای مقبولیت نگردیده و اسلام نیز شدیداً آن را رد کرده است. چندشوهری علاوه بر ناسازگاری با طبع انحصارطلب مرد، با طبیعت و منافع زن نیز هم‌خوانی نداشته و با تشکیل خانواده، به عنوان مهم‌ترین زیربنای جامعه، در تضاد می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: اسلام، حقوق زن، ازدواج، کمونیسم جنسی، تعدد زوجات، چندشوهری.

۱. مقدمه (شکل های ازدواج در تاریخ ملل)

بررسی موضوع تعدد زوجات، علل و دلایل چندهمسری، ما را کمک می کند به ارائه پاسخ عقلانی تر در مورد این پرسش که چرا در اسلام حق تعدد "همسرگزینی" برای مرد داده شده و برای زن نه. سابقه و سیر تاریخی نحوه همسرگزینی در بین ملل مختلف، نشان خواهد داد که دین اسلام چگونه با توجه به مسائل زیست شناسی، روان شناسی، اخلاقی-اجتماعی، بهداشتی و... برخورد مناسب با این مسأله داشته و از میان شکل های مختلف زناشویی، مناسب ترین شکل آن را برگزیده است. در این جستار، شکل های متنوع "چندهمسری" را ارزیابی و مناسب ترین / سالم ترین (از منظر علم) و عقلانی ترین شکل آن را به معرفی خواهیم گرفت. بررسی این موضوع در بستر و تطورات تاریخی اش روشن می سازد که دین اسلام در تعدیل و اصلاح فرم زناشویی چه قدر حکیمانه و مصلحت اندیشانه عمل کرده است.

ابتدا باید گفت که طبیعی ترین فرم زناشویی " تک همسری " است. در تک همسری هر یک از زن و مرد احساسات و عواطف و منافع جنسی دیگری را منحصر به خود دانسته و ایده آل ترین شکل زندگی خانوادگی را رقم می زند. اما در نقطه مقابل، "چندهمسری" یا زوجیت اشتراکی / تعدد زوجات قرار دارد که به چند شکل قابل فرض است. فرض نخست اینکه نه در مرد و نه در زن تعیین و اختصاص وجود نداشته باشد؛ یعنی کمونیسم جنسی / نفی زندگی خانوادگی. تاریخ و حتا فرضیات ماقبل تاریخ جامعه انسانی را که به کلی فاقد ساختار زندگی خانوادگی باشد، نشان نمی دهد. کمونیسم جنسی در میان بعضی از مردمان وحشی به صورت معتدل تری وجود داشته بوده، که گفته شده چند برادر به صورت مشترک با چند خواهر، و یا گروهی از مردان یک طائفه با گروهی از زنان طائفه دیگر ازدواج می کرده اند. این فرم زناشویی را که ویل دورانت در تاریخ تمدن آورده است، پیش نهاد افلاطون نیز بوده و در قرن ۱۹ نیز توسط برخی از رهبران کمونیسم مطرح گردیده است، اما در اثر تجارب تلخ، در ۱۹۳۸ از طرف برخی کشورهای کمونیستی قانون تک همسری به رسمیت شناخته شده است. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۸۵-۲۸۶).

شکل دیگر چندهمسری، چند شوهری می باشد. در جزیره ی کالدونی جدید^۱ که ازدواج

۱. جزیره ی کالدونی: مجموعه ی از جزایر تحت تملک فرانسه در اقیانوس آرام جنوبی می باشد که متشکل

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام * ۹۷

داخلی (ازدواج با خویشاوندان) ممنوع بوده، این ممنوعیت به خویشان مادری اختصاص داشته است، زیرا در اثر اختلاط جنسی شناخت و تشخیص پدران امکان نداشته و تنها هویت مادران مشخص بوده. در قبیله‌ی آندامانیت^۱ زن متعلق به همه‌ی افراد خانواده بوده و در قبیله‌ی نائیرهای مالابار^۲ زنها معمولاً پنج الی شش شوهر داشته و حتا می‌توانسته‌اند تا دوازده شوهر بگیرند. اما این هم در صورتی است که مردان این قبیله نمی‌توانستند بیش از یک زن بگیرند. قبیله‌ی تودا^۳ و بعضی قبایل تبت نیز دارای چنین شکل زناشویی بوده است. (ر. ک: حسن صدر، ۱۳۱۹، ص ۷۰؛ ویل دورانت، ۱۳۴۳، ص ۶۱؛ منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۴۳۵). مطهری به نقل از صحیح بخاری از زبان عائشه، عرب عصر جاهلی را نیز دارای رسم چند شوهری بر شمرده است. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۸۷).

فرم از دواج به این صورت، پرسش اصلی است که این نوشتار برای پاسخ‌گویی به آن تهیه می‌گردد. اما از آن جا که این پرسش دقیقن متناظر با تعدد زوجات، که در دین اسلام نیز مورد تایید قرار گرفته است، مطرح گردیده، لذا ابتدا سیر تاریخی مساله تعدد زوجات و سپس این موضوع از منظر اسلام مورد بررسی قرار می‌گیرد تا روشن شود که همسرگزینی متعدد تنها از سوی مرد، زیاده‌خواهی نه، بلکه از حقوق اجتماعی زن محسوب می‌شود. دین اسلام مبدع و مبتکر قانون تعدد زوجات نه، که تعدیل‌کننده‌ی آن است.

۲. چند همسری در غرب

گرچند امروزه مشرق زمین به خاطر رسمیت داشتن قانون تعدد زوجات و داشتن حرمسرا ناقض حقوق زن و مورد انتقاد قرار می‌گیرد، اما جالب می‌نماید دانستن این‌که جامعه غرب از غریزه "تنوع‌طلبی جنسی" نسبت به زنان چگونه استفاده کرده است. آیا غربی که شرق را به خاطر تعدد زوجات ناقض حقوق زنان می‌داند، خود چه نحوه برخوردی با زن داشته بوده؟

از چند جزیره‌ی کوچک است.

۱. قبایلی در کنار خلیج بنگال در جنوب بیرمانی.

۲. نام تاریخی ناحیه‌ای از هند که بخش شمالی ایالت کرالا و بخش‌های ساحلی ایالت کارناتای فعلی را در بر می‌گرفته.

۳. قبیله‌ی در جنوب هند.

خوب است نمونه‌ی از وضع اخلاق جنسی اروپا در دوره‌ی رنسانس را از عنوان " اخلاق در روابط جنسی " تاریخ تمدن ویل دورانت ذکر نمایم تا معلوم گردد که تخطی از قانون تک‌همسری در غرب تا چه اندازه مفتضح‌تر از شرق رواج داشته است. ویل دورانت این نمونه را از کشور ایتالیای عصر رنسانس بیان می‌نماید.

ویل دورانت باور دارد که: «معلوم نیست زنانی محصنه در قرون وسطی کمتر بوده است تا رنسانس... ماجراهای قبل از ازدواج می‌بایست قابل ملاحظه باشد و الا مشکل بتوان برای اطفال نامشروع بیشماری که در هر یک از شهرهای ایتالیای رنسانس یافت می‌شد دلیلی جست. فرزند حرام‌زاده نداشتن امتیازی به شمار می‌رفت اما داشتن آن ننگ فاحشی نبود. مرد معمولاً به هنگام ازدواج، زن خود را ترغیب می‌کرد که طفل حرام‌زاده‌ی خویش را به خانه بیاورد تا با سایر فرزندان آن مرد پرورش یابد. ... به سال ۱۴۹۰ در میان نفوس نود هزار نفری رم ۶۸۰۰ روسپی ثبت شده که شامل روسپیان مخفی نمی‌شد. در ونیز طبق آمار هزار و پانصد و نه، ۱۱۶۵۴ فاحشه در میان نفوس سیصد هزار نفری آن شهر وجود داشت... با این حال زنانی محصنه رایج بود... زن گرچه ممکن بود از معشوقه داشتن همسرش اندوهگین شود، اما لب نمی‌گشود.» (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ص ۷۵).

آری، این است آن صورت افتخارآمیز تک‌همسری در غرب که هم‌واره بر چندزنی مرسوم در شرق می‌تازد. انصافاً ارضای تنوع‌طلبی جنسی از این طریق نه فقط مقتضای حقوق مساویانه‌ی زنان، که خود بزرگ‌ترین جفای به آن‌ها است. به نظر می‌رسد گرایش غربی‌ها به آزادی جنسی به جای چندزنی قانونی، فرار از مسؤلیت است نه حق‌خواهی برای زن.

۳. تعدد زوجات و علل تاریخی آن

فرم دیگر چند همسری، چندزنی / تعدد زوجات می‌باشد. بر خلاف کمونیسم جنسی و چندشوهری، تعدد زوجات از موفقیت بیش‌تری برخوردار بوده است؛ نه تنها برخی از ملل متمدن، که در میان اقوام و قبایل وحشی نیز این قانون وجود داشته بوده. به گفته‌ی منتسکیو (متفکر فرانسوی م ۱۶۸۹) در قانون مالدیو نیز برای مرد، گرفتن سه زن مجاز شمرده می‌شده. (منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۴۳۷). هم او می‌گوید بنا به علل و جهاتی، والانتینین (امپراطور روم) به مردها اجازه داد تا چندین زن بگیرند. (همان، ص ۴۳۴). بررسی علل تاریخی تعدد زوجات

در جوامع مختلف، ما را کمک می‌کند تا فهم درست‌تری از مساله داشته و با دید منصفانه، نظر اسلام در این مورد را به قضاوت بگیریم. من فکر می‌کنم مساله اصلی که در همسرگزینی متعدد باید مورد تحقیق قرار بگیرد، موضوع تعدد زوجات/ چندزنی می‌باشد، زیرا خاستگاه این پرسش که "چرا زنان نمی‌توانند چند همسر بگیرند" همین مساله است. پرسش‌گر ابتدا مساله تعدد زوجات در اسلام را در نظر می‌گیرد و متناظر با آن، در مقام دفاع از حقوق زن، بحث چندشوهری را پیش می‌کشد. اما مراجعه به تاریخ ملل مختلف ثابت می‌نماید که یقیناً ضرورت‌های وجود داشته که چندهمسری در جوامع را ایجاب می‌کرده است. من بحث را از این سؤال می‌آغازم که علل تاریخی-اجتماعی تعدد زوجات چیست؟ یعنی چرا بسیاری از ملل دنیا و بخصوص ملل شرقی از میان شکل‌های سه‌گانه‌ی چندهمسری، تعدد زوجات (چندزنی) را برگزیده‌اند؟

۳-۱. سلطه جویی مرد و برده‌پنداری زن

یکی از علت‌های چندزنی پنداشته شده است. طبق این دیدگاه، مردها از آن جهت که دارای قدرت و نیروی بیش‌تری بوده، زنان را بدون در نظرداشتن حقوق انسانی‌شان مجبور به اطاعت از قوانینی نموده‌اند که به نفع خود مردان بوده است، و زنان هم به دلیل نداشتن قدرت چاره‌ی جز تمکین نداشته‌اند. البته نمی‌توان استفاده جویی‌های مردان از زور و قدرت را در پیوند با تعدد زوجات نادیده گرفت، اما تاریخ چند شوهری در عرب قبل از اسلام^۱ و عدم پذیرش چندزنی از سوی ملل غرب^۲ نشان می‌دهد که زن در عین نداشتن قدرت، جوامع عرب جاهلی را به قبول چندشوهری مجاب ساخته و در ملل‌های غربی نیز فرصتی برای اعمال زور و قدرت مردان نداده است. زیرا هم در میان اعراب، در زمان چندشوهری، و

۱. «تعدد شوهران بین اعراب جاهلیت نیز مرسوم بوده و آن را زواج "ضمد" می‌گفتند. در مورد شناسایی اولاد بین شوهران هر کدام بیش‌تر به طفل شبیه بودند، برای پدری او انتخاب می‌شدند. (روح القوانین، ص ۴۳۶، پاورقی مترجم.)

۲. تعدد زوجات را ظاهراً کشورهای غربی به صورت قانونی نپذیرفته است. منتسکیو در روح القوانین، کتاب شانزدهم، آن جا که عامل آب و هوا را دخیل در تعدد زوجات در شرق می‌شمرد، غرب را به دلیل آب و هوای معتدل از قانون چندزنی بری می‌داند.

هم در میان غربی‌ها زنان از جایگاه اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده‌اند. پس اگر حاکمیت مردان و محکومیت زنان علت چندزنی باشد، باید بگوییم که در غرب و عصر جاهلیت عرب، زن یک مقطع از تاریخ را بر مرد سلطه داشته است، اما این کاملاً در تضاد با وقایع تاریخی می‌باشد. بنا بر این، هوسرانی و سلطه‌جویی مرد نمی‌تواند به تنهایی، چندزنی را توجیه نماید، چون راه آسان‌تری وجود دارد که حس تنوع‌طلبی مرد را به خود فرا می‌خواند. راه بی‌دردسرت‌تر برای مردان تنوع‌طلب، زن‌بازی و معشوقه‌بازی آزاد است که نه متحمل جاه و مکان و نفقه زن می‌باشد و نه مسئولیت فرزندان احتمالی را به شانه‌ی او می‌گذارد. در نتیجه، باید علت دیگری باشد تا مرد را از معشوقه‌بازی به پذیرش همسر قانونی وادار سازد. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۹۶).

۲-۳. شرایط جغرافیایی

"شرایط جغرافیایی" را برخی دیگر در تعدد زوجات مؤثر می‌دانند. گوستاو لوبون (فیلسوف، مورخ، جامعه‌شناس و پزشک فرانسوی ۱۸۴۱-۱۹۳۱) در تاریخ تمدن اسلام و غرب (بنا به گفته‌ی مطهری) و هم‌چنین منتسکیو در روح القوانین علت تعدد زوجات را بر این اساس تحلیل می‌نمایند. از دیدگاه این متفکران چون آب و هوای مشرق‌زمین به گونه‌ای است که زن در آن زودتر بالغ و زودتر پیر می‌شود. اضافه بر این، نیروی جنسی مرد پرورده‌ی این آب و هوا طوری است که یک زن توان اقیاع آن را ندارد. در نتیجه، مرد به زن دوم و سوم احتیاج پیدا می‌کند. عمده‌ترین استدلال در این دیدگاه، داشتن آب و هوای گرم است که موجب رشد جسمی و در نتیجه، موجب پیری زودرس زنان (به ۲۵ سالگی) در اثر تحمل باروری، وضع حمل، حضانت اطفال و احیاناً برخی امراض جانبی می‌شود. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۰۴، به نقل از تاریخ تمدن اسلام و غرب، ص ۵۰۹؛ منتسکیو، ۱۳۶۲ ص ۴۳۲-۴۳۴). اما بر اساس وقایع و شواهد تاریخی، این عامل نیز به تنهایی تعدد زوجات را توجیه نمی‌تواند، زیرا این امر در مناطق دارای آب و هوای معتدل مثل ایران نیز معمول بوده است. علاوه بر این، ادعای اینکه زنان به سن ۲۵ سالگی به پیری می‌رسند خلاف واقعیت می‌باشد. تحلیل‌ها و بررسی‌های آنان از این موضوع نشان می‌دهد که چندان معلومات دقیق و مبتنی بر واقعیت‌های عینی نداشته‌اند.^۱

۱. منتسکیو در روح القوانین به نقل از پریدو در شرح حال پیامبر اسلام می‌گوید که او در سن پنج سالگی

۳-۳. عادت ماهانه

"عادت ماهانه"ی زن و این محدوده زمانی که او آمادگی تمکین از خواسته‌های مرد را ندارد، و نیز میل به کناره‌گیری زن از زندگی زناشویی در اثر خستگی از تولید و پرورش فرزندان، نیز یکی دیگر از علت‌های تعدد زوجات محسوب گردیده است. ویل دورانت:

«در اجتماعات ابتدایی، زنان به سرعت پیر می‌شدند و به همین جهت خود غالباً مردان را به زناشویی جدید تشویق می‌کردند تا بتوانند مدت درازتری غذای کودکان خود را تامین کنند و در عین حال فاصله‌ی میان دوره‌های حمل خود را طولانی‌تر سازند بی‌آنکه از میل مردان در تولید نسل و دفع شهوت خود چیزی بکاهند». (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ص ۶۲).

گرچند این عامل نیز مرد را در وضعیتی قرار می‌دهد که تمایل جنسی به زنان دیگر پیدا نماید، اما باید علت مؤثر دیگری (اخلاقی یا اجتماعی) وجود داشته باشد که او را از معشوقه‌بازی و زن‌بازی آزاد باز داشته و همسرگزینی متعدد را بر او بقبولاند. یعنی اینکه مرد در عین تنوع طلبی جنسی تن به پذیرش زوجات قانونی می‌دهد و از معشوقه‌بازی دوری می‌گزیند، صرفاً با این علت قابل توجیه نمی‌باشد.

۳-۴. عوامل اقتصادی

برخی نیز "عوامل اقتصادی" و "عدد و عشیره" را از عوامل تعدد زوجات ذکر نموده‌اند. ملت‌های را در تاریخ داریم که با زن هم‌چون کالای تجاری بر خورد داشته و از خرید و فروش آن‌ها تامین معاش می‌نموده است. حسن صدر در کتاب حقوق زن در اسلام و اروپا، فصلی را به نام "ازدواج ایتاعی" قرار داده و در آن‌جا می‌گوید که در اغلب ملل متمدن دنیا از ایام قدیم تا چندی پیش و در بیش‌تر قبائل وحشی هم‌اکنون، دختر حکم کالای را داشته که پدر او را می‌فروشد. سپس ملت‌های را که با زن معامله کالا را داشته‌اند ذکر می‌نماید. (ر. ک: حسن صدر، ۱۳۱۹، ص ۷۱). نمونه‌ی از برخورد کالایی با زن و اهمیت اقتصادی او در جوامع ابتدایی را ویل دورانت این‌گونه نقل می‌کند:

با خدیجه ازدواج کرده است. یعنی بلوغ زودرس در انسان‌های مشرق زمین. حرفی که اساساً هیچ قائلی در تاریخ اسلام ندارد.

« در اجتماعات ابتدایی غالباً دیده شده که زن اول شوهر خود را ترغیب می‌کرده... تا اطفال دیگری بیاورد و بهره‌برداری و ثروت زیادتر شود. در نزد آن اجتماعات طفل ارزش اقتصادی داشته و زنان را به عنوان سرمایه می‌خریده‌اند که سود آن کودکان نوزاد بوده است... بی‌شک تعدد زوجات در اجتماعات ابتدایی امر مناسبی بوده، زیرا... از لحاظ بهبود نسل تعدد زوجات بر تک‌همسری ترجیح داشته است. ... در آن ایام تواناترین مردان ظاهراً به بهترین زنان دست می‌یافته و فرزندان بیشتر تولید می‌کرده اند». (ویل دورانت، ۱۳۴۳، ص ۶۲).

شواهد فوق نشان می‌دهد که عامل اقتصادی و تولید نسل برای ازدیاد عشیره، که آن زمان عامل اجتماعی مهمی به شمار می‌رفته، نقش زیادی در تعدد زوجات داشته است.

۳-۵. فزونی عدد زن

"فزونی عدد زن" را از مهم‌ترین عامل برای توجیه تعدد زوجات بر شمرده است. البته بررسی دقیق می‌خواهد تا نشان داده شود که تعداد زن از مرد بیش‌تر است، زیرا فزونی عدد زن بر مرد نه به صورت فراگیر، که هم مقطعی است و هم مربوط به جغرافیای خاص و احیاناً به صورت دورانی. علاوه بر این، عواملی که این فزونی را ایجاد می‌کند نیز مقطعی و به صورت نسبی می‌تواند واقعیت داشته باشد. بنا بر این، اگر صرفاً این عامل را توجیه‌گر تعدد زوجات شمرده و چندزنی را حق مرد بدانیم، امکان فرض این حق برای زن در شرایط مشابه وجود خواهد داشت. پس باید ضمن اثبات اینکه "تعدد زوجات" (چندزنی) معلول شرایط اجتماعی است، ثابت شود که "چندشوهری" معایب و پیامدهای منفی خاص خود را دارد که بر اساس آن‌ها مورد پذیرش قرار نگرفته است. در این صورت می‌توان موضوع را از حالت مقایسه‌ای بیرون آورده و هر مساله (چندزنی و چندشوهری) را در جای خود مطرح و بررسی نمود.

منتسکیو با استناد به بررسی‌های انجام‌گرفته می‌گوید که در اروپا میزان تولید پسر بیش‌تر از دختر است بر خلاف آفریقا و آسیا که سطح ولادت دختر بیش‌تر از پسر می‌باشد. طبق این حساب، رواج تعدد زوجات در آفریقا و آسیا و منع آن در اروپا و هم‌چنین علت تعدد شوهر در مناطق سردسیر آسیا مثل تبت^۱، همین فزونی تعداد دختر در مناطق نسبتاً گرم و

۱. تبت با حدود ۲۴۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع، منطقه‌ی در غرب چین است که در قدیم به عنوان یک کشور مستقل بوده و از سال ۵۱-۱۹۵۰ به کشور چین ضمیمه گردیده است.

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام * ۱۰۳

فزونی پسر در مناطق سردسیر می‌بوده باشد. منتسکیو اما خود باور ندارد که این فزونی تا آن اندازه باشد که مردان را به انتخاب چندزنی وا دارد. او می‌گوید فزونی زن‌ها نسبت به مردها در بانتام، که طبق آمار داده شده برای هر مردی ده زن می‌رسد، دلیل نمی‌شود که در کل مناطق گرم‌سیر تعدد زوجات را به عنوان یک قاعده کلی وضع نماییم. (ر. ک: منتسکیو، ۱۳۶۲، ص ۴۳۴-۴۳۵).

ویل دورانت نیز فزونی زن بر مرد را عامل گرایش به تعدد زوجات می‌داند. او می‌گوید در جوامع ابتدایی به دلیل فزونی عدد زنان بر مردان، تعدد زوجات یک امر مناسبی بوده است. این بدان معنا است که تعدد همسر به صورت چندزنی محصول و معلول کمیت افراد جامعه است نه اختراع از سوی فرد یا دین خاص. بنا به گفته‌ی ویل دورانت تلقی علمای قرون وسطی این بوده که تعدد زوجات از ابتکارات پیامبر اسلام است. در صورتی که جریان چندزنی بیش‌تر به خاطر عواملی هم‌چون فزونی عدد زنان بر مردان به وجود آمده است. به دلیل اشتغال مردان به جنگ و شکار، زندگی آن‌ها بیش‌تر در معرض تلف شدن قرار داشته و از این جهت عدد زنان بیش‌تر از مردان می‌بوده است. البته از سوی دیگر، کثرت مرگ و میر در ملل ابتدایی، میل به تولید مثل را در مردم بیش‌تر می‌کرد، و این خود سبب می‌شد که زنان از عزوبت دوری‌گزینند و تعدد زوجات رواج پیدا نماید. (ر. ک: ویل دورانت، ۱۳۴۳، ص ۶۱).

مطهری می‌گوید برای اثبات این‌که فزونی عدد زنان بر مردان موجب تعدد زوجات بوده است، باید دو چیز را ثابت نماییم؛ نخست باید طبق شواهد مسلم و قطعی ثابت گردد که عدد زن‌های آماده ازدواج بر مردان این‌سنین فزونی دارد. دوم این‌که در فرض اثبات چنین حالتی، ازدواج حقی است از زنان بدون شوهر بر عهده‌ی مردان و زنان متأهل. یعنی صرف این‌که میزان تولید دختر بیش‌تر از پسر باشد در امر تعدد زوجات قانع‌کننده نیست و هم‌چنین تعدد زوجات در صورت وجود این عامل، زیاده‌خواهی مرد و یا کدام حق اضافی او بر زنان نمی‌باشد، بل که بر عکس، این مورد از حقوق زنان به حساب می‌رود. آمار نشریه جمعیت‌شناسی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۴ نشان می‌دهد که در غالب کشورها تعداد

زنان سن قانونی ازدواج بیش‌تر از مردان است.^۱ در این صورت کدام گزینه بهتر است؛ تعدد زوجات به صورت قانونی یا آزادی جنسی که دانشمندان غرب پیش‌نهاد می‌کند؟ چون حق ازدواج طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق بشری است، قبول همسر دوم از سوی مرد، و هوو از سوی زن اولی، عقلانی‌ترین راهی است که آن زنان را از دام گرفتاری به فحشاء نجات داده و به حق طبیعی‌شان رساند. این را مقایسه کنید با راه حلی که راسل، به عنوان یک فیلسوف قرن بیستم، مطرح می‌کند. او می‌گوید در انگلستان کنونی بیش از دو میلیون زن زائد از تعداد مردان وجود دارد، این زنان اما برای محروم نماندن از فرزند، با شکار مردان فرزندان بی‌پدر به دنیا آورند. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۱۴-۳۲۴).

اما همان‌گونه که قبلاً اشاره گردید این عوامل صرفاً بیان‌گر این امر است که انتخاب چند زن توسط یک مرد با ملاحظه وضعیت اجتماعی، مناسب‌ترین گزینه برای رهایی از آزادی جنسی و معقول‌ترین راه برای فراهم‌سازی زمینه ازدواج زنان بوده است. ولی این دلیل نمی‌شود که بگوییم پس می‌توان در شرایط مشابه، یعنی وقتی وضعیت به قسمی تغییر نماید که به طور مثال عدد مرد بیش‌تر از تعداد زن گردد، مطابق با این حالت و متناظر با علت مطرح شده برای به رسمیت شناختن چندزنی، چندشوهری را ترویج کرد. مثلاً ویل دورانت می‌گوید در قبیله‌ی تودا و بعضی از قبایل تبت یک زن می‌توانسته چند شوهر انتخاب نماید. او دلیل آن را فزونی عدد مردان بر عدد زنان دانسته است.

۴. اسلام و تعدد زوجات

دین اسلام ازدواج را در مقام یک امر پایه و اساس سازمان اجتماعی با اهمیت تلقی نمود و زن و مرد را هم‌قدر و هم‌دوش یک دیگر برای آسان ساختن مشکلات زندگی به تشکیل کانون خانواده فرا خواند. اسلام زن را نه جنس دوم، که شخصیت اصیل و هم‌دم مرد شناخت و با قرار دادن "مودت و رحمت"^۲ عشق و دوستی را در زندگی خانوادگی آن‌ها ایجاد نمود. از منظر اسلام زن و مرد در انسانیت همسان‌اند اما دو صنف مختلفی که در ویژگی‌های فیزیولوژیکی

۱. مراجعه شود به کتاب "نظام حقوق زن در اسلام" تالیف استاد مطهری.

۲. و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا بیها و جعل بینکم مودةً و رحمة. روم/ ۲۱

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام * ۱۰۵

باهم تفاوت دارند. گرچند تفاوت‌های زنان با مردان را برخی فمینیست‌ها و گروهی از جامعه‌شناسان صرفاً بیولوژیکی می‌دانند، ولی در مقابل، بسیاری از روان‌شناسان به تفاوت ساختاری بین زن و مرد قائل‌اند. اسلام نیز این تفاوت‌ها را در بعد جسمی و ابعاد گوناگون احساسی، روحی، ذهنی و رفتاری می‌پذیرد. (ر.ک: زیبایی نژاد، ۱۳۹۰، ص ۶۲-۶۳). بر خلاف فمینیست‌ها، که تفاوت‌های ذهنی و رفتاری را متأثر از محیط و فرهنگ می‌شمارند، اسلام می‌گوید در اصل، ساختار زن و مرد چنین تفاوت‌های باهم دارد، اگرچه عوامل محیطی و فرهنگی نیز در روحيات و شخصیت آن‌ها تاثیر می‌گذارند. البته نباید از تفاوت داشتن تفسیر ارزشی ارائه کرد و آن را دلیل کهنتری زنان دانست، زیرا تفاوت‌ها نه به معنای نقص، که به معنای داشتن قابلیت‌های است که در ساختار دیگری یافت نمی‌گردد.

ازدواج از طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق بشری است. هر انسانی، مرد یا زن، همان‌گونه که حق کار، مسکن، تعلیم و تربیت، امنیت، آزادی، استفاده از بهداشت را در جامعه دارد، حق تأهل و تشکیل خانواده و بهره‌مندی از همسر و فرزند را نیز دارا می‌باشد. اما در امر ازدواج، آن‌چه که موافق با طبیعت زناشوی و نزدیک به اهداف تشکیل خانواده است، به یقین تک‌همسری است نه چندهمسری. یعنی طبق فرموده‌ی استاد مطهری: مسأله این نیست که از میان تک‌همسری و چندهمسری کدام بهتر است، زیرا در اینکه تک‌همسری بهتر است تردیدی وجود ندارد. مسأله اساسی که مطرح می‌شود این است که در موقع ضرورت‌های اجتماعی، بخصوص فزونی عدد زنان نیازمند به ازدواج بر مردان، ما باید کدام راه را انتخاب نماییم: به رسمیت شناختن تعدد زوجات یا رواج معشوقه‌بازی و به رسمیت شناختن کمونیسم جنسی؟ یک راه حل را غرب دارد، آن‌های که می‌خواهند از تساوی حقوق زن و مرد، تشابه حقوقی را نتیجه بگیرد. راسل با توجه به محرومیت گروه زنان در قانون تک‌همسری، راه آزادی جنسی را پیش‌نهاد می‌کند. او می‌خواهد بدون در نظر داشت عواطف، مشکل زنان در نیاز جنسی، فرزندپروری و تامین معیشت فرزندان (توسط دولت) را از طریق شکار مردان حل نموده بدون این که هیچ مسئولیتی بر دوش مردان قرار بدهد و یا به تشکیل خانواده که نیاز اصلی و عاطفی زن و مرد است، توجه نماید. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۲-۳۲۴).

اما باید گفت که بر مبنای آزادی جنسی که غرب به جای تعدد زوجات تجویز می‌کند فقط

می‌توان نیاز جنسی را اشباع نمود، ولی آیا هدف از تشکیل نظام خانواده صرفاً همین امر است؟ آیا نیازهای عاطفی زن به شوهر، علاقه‌ی او به داشتن و تربیت فرزند، نیاز او به یک حامی و اسپانسر مالی را نباید تأمین کرد؟ نویسنده کتاب "حقوق زن در اسلام و جهان" می‌گوید: پس از جنگ دوم جهانی، در آلمان جمعیت زنان بی‌شوهر از دولت خواهان تصویب قانون تعدد زوجات گردیدند تا به خواسته‌های طبیعی و مشروع خودها برسند. کلیسا مخالفت کرد و نتیجه‌ی آن، آلودگی سراسر اروپا به لجن بی‌عفتی بود. در اثر آن جنگ، از فزونی شصت میلیون زن نسبت به مرد، طبق یکی از آمارهای داده شده، خبر داده شده است. (ر. ک: نوری، ۱۳۴۳، ص ۱۷۶). آیا راه‌برد مناسب‌تر از تعدد زوجات برای حل این معضل وجود دارد؟ لذا است که شوپنهاور می‌گوید: در امتی که قانون تعدد زوجات رسمیت دارد، زنان دارای شوهر و فرزند و سرپرست، اکثریت قریب به تمام را شکل می‌دهد. اما در اروپا که قوانین کلیسا اجازتی این کار را نمی‌دهد، زنان شوهردار چند برابر کم‌تر از زنان بی‌شوهراند... چه بسا زنان و دخترانی که بر اثر اجبار و فشار غریزه‌ی جنسی نقد عفت را به بدنامی باخته و به شوهر و فرزند که خواسته‌ی مشروع و طبیعی هر زن است نرسیده‌اند. (همان، ص ۱۷۴-۱۷۵).

اسلام اما علی‌رغم تحریم فحشاء و اختلاط‌های فسادبرانگیز و آسیب‌زا برای جامعه و با توجه به اصالت شخصیت زن، قوانینی را نسبت به نحوه ازدواج، حقوق زن و شوهر و امور مالی زوجین مقرر داشته که در نظام خانواده زن و مرد نقش مکمل هم‌دیگر را بازی کند. به عبارت دیگر ازدواج در ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای جنسی و عاطفی زوجین، مسؤلیت‌های که موجب استحکام نظام خانواده و تداوم پیوند زناشویی بین زوجین می‌گردد را نیز بر دوش آن‌ها قرار می‌دهد. اسلام تعدد زوجات/چندزنی را نه ابطال، که قانون‌مند کرد. برخلاف تلقی علمای مسیحیت قرون وسطی از اسلام، که آن را مخترع قانون تعدد زوجات می‌دانستند، تعدد زوجات دارای قوانین و مقررات گردید؛ هم در کمیت (چهار تازن^۱) و هم در کیفیت (رعایت اعتدال^۲، قدرت تأمین حقوق مالی و امکانات جسمی^۳). پس تا این جا روشن گردید که تعدد

۱. فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و ربع ... نساء/۳.

۲. فإن خفتم ألا تعدلوا فواحدة ... نساء/۳.

۳. مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام روایتی را از اصول کافی و وسائل الشیعه نقل می‌کند که اما

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام * ۱۰۷

زوجات ناشی از یک مشکل اجتماعی است، یعنی این امر نه اقتضای طبیعت مردان است و نه اختراع یک شخص یا دین خاص.

۵. چندشوهری

رسمیت یافتن چندزنی را گفتیم معلول عواملی و از جمله فزونی عدد زنان بر مردان بوده و اسلام نیز بر همین اساس (فزونی تعداد زنان) و برای بستن راه فحشاء، قانون تعدد زوجات را پذیرفته است، البته با اصلاحات و تعدیلات. بنا براین، در فرض رفع این محدودیت، تعدد زوجات نیز موضوعیت نخواهد داشت. اما ممکن است این پرسش مطرح گردد که با تغییر موضوع و بخصوص فرض "فزونی عدد مرد" آیا حکم تعدد همسر نیز به چندشوهری تغییر حالت می‌دهد؟ این البته یک پرسش مهم است، زیرا - گرچند در حد فرضی، اما - آن مشکل اجتماعی را از یک زاویه‌ی دیگر نگریسته و راه حل ارائه می‌کند. می‌بینیم که واقعاً یک چالش اجتماعی و مسأله جدید قابل تصور است. در این مسأله این موضوع به بررسی گرفته می‌شود که اگر در جامعه‌ای عدد مردان بیش‌تر از زنان باشد، در صورت تک‌همسری آیا تعداد از مردان در خطر عزوبت و یا در معرض فحشاء قرار نمی‌گیرند؟ (عین همان چیزی که در صورت تک‌همسری، نسبت به زنان مطرح بود و استاد مطهری از آن به "بحران ناشی از محرومیت زنان بی‌شوهر" یاد می‌کند). آیا حریم خانواده از خطر دست‌برد مردان بیگانه در امان خواهد ماند؟ آیا خودارضایی و یا هم‌جنس‌گرایی جامعه را آلوده نخواهد کرد؟ مناسب‌ترین راه‌حل در این فرض چه می‌تواند باشد؟ صرف نظر از اینکه برخی جوامع قانون چندشوهری را به رسمیت شناخته بود، راه حل دین اسلام در این مورد چیست؟

گفته شده که آمار و ارقام تا اکنون نشان نداده که در یک مقطع از تاریخ جنس مرد بیش‌تر از زن بوده باشد، پس احتمال فزونی عدد مرد، ضعیف است. استدلال شده که در مبارزه با عوامل طبیعی و انسانی، مردها آسیب‌پذیرتر از زنها هستند، هم به دلیل مقاوم بودن زنان در برابر بیماری‌ها و هم به دلیل عدم حضور آنان در صحنه‌های جنگ یا وقوع حوادث طبیعی.

صادق فرموده: هرکسی گروهی از زنان نزد خود گرد آورد و نتواند از لحاظ جنسی آنها را اشباع کند و آن زنها به فحشاء بیفتند، گناه‌اش به گردن آن مرد است.

و حتا در شرایطی هم چون وضعیت اعراب قبل از اسلام که فزونی عدد مردان را حکایت می‌کند نیز عامل، افت اخلاق و پستی افکار در جامعه است که با زنده‌به‌گور نمودن دختران، دخترکشی را به فرهنگ رایج تبدیل می‌نماید و بدین طریق به زندگی زنان خاتمه می‌بخشد. وگرنه سیر تاریخ همیشه بر فزونی عدد زن صورت پذیرفته است. با این حال، اما امکان این امر وجود دارد که شرایط به نحوی تغییر نماید که عدد مردان افزایش یابد. پس اگر تعدد زوجات را به عنوان یک راه حل اضطراری برای جلوگیری از فحشاء به رسمیت بشناسیم، در شرایط مشابه (فزونی عدد مرد) چه راه حل مناسبی وجود خواهد داشت؟

گفته شده که اشکال اساسی چندشوهری، اشتباه انساب است. یعنی فرزندی به وجود آمده از زنی دارای چندشوهر، انتساب‌اش به پدر ناممکن است و این مخالف زندگی خانوادگی می‌باشد. استاد مطهری عین این استدلال را از امام علی در جواب پرسش زنان که: چرا اسلام به مردان اجازه‌ی چندزنی داده اما به زنان اجازه‌ی چندشوهری نداده است؟ نقل می‌کند.^۱ اما امکانات علم روز جای برای طرح چنین دیدگاهی باقی نگذاشته و این نکته‌ی است که قطعاً قابل تأمل و بازاندیشی می‌باشد. یکی از ملاحظات که دکتر منصور نژاد در کتاب "مسأله زن، اسلام و فمینیسم" بر استاد مطهری می‌نماید همین نکته است. او می‌گوید: «ادله نفی تعدد زوج برای زن، برای این که فرزند به دنیا آمده معلوم نیست که از کدام پدر است، امروزه با مطرح شدن و سایل جلوگیری و یا بستن لوله‌ی رحم و... قابل دفاع نیست، ضمن این که این دلیل، برای ایام یائسگی زن قانع‌کننده نیست» (منصورنژاد، ۱۳۸۱، ص ۱۹۰-۱۹۱). بناءً می‌توان گفت در سیر تاریخی زندگی خانوادگی-اجتماعی، خارج از اصل تک‌همسری، یک گفتمان دیالکتیکی وجود داشته که چندزنی را توجیه و چندشوهری را مردود شمرده است. اما این که چرا در این گفتمان چندشوهری شکست خورده است، موضوعی است که اینک به بررسی گرفته می‌شود.

۱. علی علیه السلام دستور داد ظرف‌های کوچکی از آب آوردند و هر یک از آن‌ها را به دست یکی از زنان داد. سپس دستور داد همه‌ی آن ظرف‌ها را در ظرفی بزرگی که وسط مجلس گذاشته بود خالی کنند. آن‌گاه فرمود: هر یک از شما همان آبی را که ریخته اید بر دارید. وقتی گفتند این کار ممکن نیست، فرمود: علت منع چندشوهری نیز همین است. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸).

۵-۱. علت عدم مقبولیت چندشوهری

در مباحث گذشته مطرح گردید که ازدواج حق طبیعی هر انسانی است و در این مورد هم اصالت با تک همسری می باشد. پس اگر عاملی (فزونی عدد زن) در اجتماع پدید آید که موجب محرومیت یک انسانی (زن) از این حق طبیعی گردد، مصالح خانواده و اجتماع ایجاب می نماید که خانواده (مرد و زنِ اولی او) مسئولیت زن دومی را نیز بپذیرد. اما هدف این جستار می طلبد که موضوع "چندشوهری" را بیرون از حالت مقایسه‌ی با "چندزنی" مورد بررسی قرار دهد تا روشن گردد که چرا در اکثر جوامع و در طول تاریخ این مسأله مورد استقبال قرار نگرفته و یا اگر در محدوده‌زمانی ای به آن توجه شده ولی به شکست مواجه گردیده است. بازهم آنچه را که پیشاپیش مورد تأکید قرار می دهد جدی گرفتن تفاوت‌های مرد و زن است و البته این که تفاوت داشتن به معنای نقص و کمال نیست، بلکه به معنای وجود ظرفیت‌ها، ویژگی‌ها، و استعداد‌های متفاوت در شخصیت افراد است برای انجام مسئولیت‌های مختلف اجتماعی. و همین تفاوت‌ها است که احساس نیاز متقابل و همکاری جدی بین این دو جنس را ایجاد نموده و تشکیل نهاد خانواده را ضروری می سازد. ما تلاش خواهیم نمود تا با تکیه بر همین تفاوت‌ها، مصالح زندگی در خانواده و اجتماع، و تبعات و پیامدهای نادیده گرفتن این موارد روشن سازیم که چندشوهری نه بر مصلحت نظام خانواده و اجتماع است و نه با تمایلات و انتظارات زن و مرد از زندگی مشترک هم خوانی دارد.

۵-۱-۱. طبع زنان مخالف چندشوهری

درست است که مرد در امر جنسی تنوع طلب بوده و ازدواج را غالباً برای ارضای نیاز جنسی خود می خواهد. از منظر اسلام این یکی از تفاوت‌های طبیعی میان زن و مرد است؛ مرد زود تحریک می شود، زن اما از حیای بازدارنده‌ای برخوردار است که او را در برابر تحریکات جنسی مقاوم می سازد. لذا اسلام مهم‌ترین وظیفه‌ی زن در قبال شوهر را برآورده‌سازی نیاز جنسی او می داند. البته این تفاوت مورد تایید یافته‌های علمی نیز قرار گرفته است. بر اساس بررسی‌های متخصصان فیزیولوژی، جنس مذکر، از آغاز بلوغ و در نوجوانی و به دفعات کم‌تر در بزرگسالی، غالباً پدیده‌ی احتلام یا اورگاسم در هنگام خواب را تجربه می کند، در حالی که این تجربه برای زنان کم‌تر از مردان و معمولاً در بزرگسالی رخ می دهد. این نکته که تجاوز

جنسی همواره از سوی مردان صورت می‌گیرد، شاهد دیگری است بر این مدعا. (ر. ک: بستان، ۱۳۹۰، ص ۸۶-۸۷). استاد مطهری این پرسش که "آیا طبیعت مرد چندهمسری است؟" را در یک مقاله جداگانه بررسی کرده است. او گرچند قائل به طبیعت چندهمسری مرد - به این معنا که مرد طبعاً مخالف تک‌همسری باشد - نیست، اما آن را نظر رایج روان‌شناسان و فیلسوفان اجتماعی غرب می‌داند. مطهری می‌گوید این‌که بگویید طبیعت مردان مخالف تک‌همسری است را ما قبول نداریم، اما این‌که چندزنی با روحیه‌ی آن‌ها هم‌خوانی دارد را انکار نمی‌کنیم. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۷-۳۲۹).

زن اما برخلاف مرد، اشباع‌گریزه جنسی را تنها مطلوب از ازدواج نمی‌داند، بل که آن‌چه را که او از تشکیل خانواده توقع دارد توجه به مسائل عاطفی و یافتن یک حامی در زندگی است. مضاف بر این‌که نیاز جنسی زن به صورت جدی مطرح می‌باشد، اما او با احساس این‌که در مسیر زندگی محتاج به یک هم‌سفری است که نیازهای عاطفی او را پاسخ بگوید و در ابعاد مختلف زندگی از او پشتیبانی کند، به سراغ مردی با این اوصاف بر می‌آید. شخصیت عاطفی زنی یکی از شگفتی‌های نظام خلقت است، زیرا این نیرو است که از او مادری می‌سازد سرشار از رحمت و عطوفت که حتا تحمل یک شب بی‌خوابی او نسبت به نظافت نوزاد برای مردان دشوار می‌باشد. بنا براین، لذت‌جویی جنسی تنها هدف زن از ازدواج نیست تا بگوییم هرچه بیش‌تر بهتر، بل که او می‌خواهد در طول زندگی فقط یک محرم اسرار و حامی داشته باشد. مطهری سخنی را از شماره ۱۱۲ مجله زن روز، از محقق معروف امریکایی (رابرت کینزی) نقل می‌کند که گفته است: «زن بر خلاف مرد از تنوع‌جویی در عشق و لذت بیزار است... ولی مرد تنوع‌جویی را نوعی ماجراجویی تلقی می‌کند... و به نظر او آن‌چه مهم است لذت جسمی است نه لذت عاطفی و روحی.» (همان، ص ۳۲۸). پس چندشوهری هم در تضاد آشکار با طبیعت و منافع زن است و هم با روحیه انحصارطلبی مرد سرسازش ندارد. هیچ مردی زنی را که به او اختصاص نداشته باشد این‌چنین مورد حمایت قرار نداده و هیچ زنی از راه چندشوهری به این خواسته نخواهد رسید.

۵-۱-۲. ناسازگاری چندشوهری با روح خانواده

فمینیسم بر مبنای فردنگری، زن را در مقابل مرد قرار داده و ازدواج را هم‌چون اسارت زن

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام* ۱۱۱

و خانواده را پایه‌ریزی شده بر اساس ظلم مرد تلقی می‌کند. از این جهت جنبش فمینیسم در راستای رفع محدودیت‌های جنسیتی و پشتیبانی از حقوق زنان تلاش می‌ورزد. دین اسلام، در عین اصالت شخصیت زن و قبول جایگاه اجتماعی او، اما با توجه به ظرفیت‌های متفاوت زنان و مردان، نقش مکملیت آن‌ها را در خانواده مطرح و آن را اساسی‌ترین نهاد سازنده اجتماعی بر می‌شمرد. حقوق بین‌الملل نیز خانواده را یک واحد طبیعی و بنیادی جامعه تعریف کرده و حمایت از آن را وظیفه دولت دانسته است. (ر. ک: فتاحی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۵۶).^۱ از منظر اسلام خانواده بهترین تلاقی‌گاه استعداد‌های زن و مرد و مناسب‌ترین راه برای ارضای قوای جنسی است که هم تعادل روحی و روانی و هم سلامت اعضای خانواده را در پی دارد. زن در خانواده استعداد‌های خود را در قالب دشوارترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های فرهنگی و هنری و ارزنده‌ترین فعالیت خود را در نقش مادری به نمایش می‌گذارد. خانواده که محیط شکل‌گیری شخصیت فرزند است، پرورش و تربیت او بهترین خدمتی است که زن برای جامعه ارائه می‌دهد. (ر. ک: زبیبی‌نژاد، ۱۳۹۰، ص ۸۳-۸۴). لذا اسلام بر ضرورت تشکیل و حفظ خانواده تاکید زیاد نموده است.

روح خانواده اقتضا دارد که زن و مرد هرکدام در مدار خویش و متناسب با استعداد و توانایی خود، اما در کنار هم‌دیگر، نقش آفرینند. زن با آن وجود سرشار از مهر و عطوفت باید عهده‌دار اساسی‌ترین نقش، یعنی تربیت کودک، گردد و مرد نیز با آن نیروی جسمی به تأمین معیشت بپردازد. نه آن مهارت زنان در مادری را مردان می‌توانند متقبل شوند، و نه آن مسئولیت خطیر مردان با توانایی فیزیکی زنان هم‌خوانی دارد. مطابق با فردگرایی غرب، که پیوند خانواده را در منافع شخصی افراد جستجو می‌کند، در صورت تغییر منفعت هر یکی از زوجین هیچ تضمینی برای بقای نظام خانواده وجود نخواهد داشت. یعنی اعضای خانواده هر زمان که منافع شخصی‌شان ایجاب کند خانواده را ترک می‌گوید. پس نظام خانواده همیشه متزلزل و در معرض فروپاشی خواهد بود. اما خانواده در نگاه دین اسلام نیاز مبرم به ایجاد پیوند عاطفی برای استحکام و ماندگاری خود دارد. پیوند عاطفی میان شخص زوجین و نیز

۱ با استناد به بند ۳ ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ و ۲ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

میان آنان و فرزندان، ضامن بقاء نظام خانواده است. با این نگاه، خانواده نه تنها چندشوهری را بر نمی‌تابد، که آن را اصولاً در تضاد با ساختار و پرنسب خود می‌بیند، زیرا چندشوهری اساساً با ایجاد هم‌دلی و برقراری پیوند عاطفی نمی‌سازد.

۵-۱-۳. ناسازگاری چندشوهری با اهداف خانواده^۱

اگر به اهداف و کارکردهای خانواده از منظر اسلام به دقت بنگریم - البته این اهداف بر اساس نیازهای طبیعی انسان در نظر گرفته شده است - خواهیم دید که تشکیل خانواده اصولاً با چندشوهری قابل جمع نیست. بررسی واقع‌بینانه‌ی این کارکردها ما را در فهم چرایی مخالفت با نظام چندشوهری در اسلام کمک می‌نماید. حال، ضمن توجه به مهم‌ترین اهداف و کارکردهای خانواده در اسلام، مسأله چندشوهری را بر می‌رسیم تا روشن گردد که انتخاب چندشوهر از سوی زن با آن اهدافی که از زندگی زناشویی دارد در تضاد است.

۵-۱-۳-۱. خانواده و آرامش هم‌سران^۲

یکی از اهداف و کارکردهای اساسی خانواده ایجاد آرامش در زندگی است. ضرورت ارضای نیاز جنسی به صورت سالم و مشروع و هم‌چنین تأمین نیازهای عاطفی، که بیش‌تر در زنان وجود دارد، مرد و زن را در محور یک خانواده گردهم می‌آورد. بر مبنای طبیعی بودن میل به ازدواج از یک‌سو و انحصارطلبی مرد در امر زناشویی از سوی دیگر، آیا می‌توان گفت زنان با آزادی جنسی و یا تعدد شوهر به خواسته‌های عاطفی خود می‌رسند؟ چه این که مردان به هیچ وجه از چنین زنانی حمایت نمی‌کنند. بنا براین، یکی از عوامل شکست چندشوهری مخالفت آن با طبیعت انسان است. استاد مطهری می‌گوید: علت شکست چندشوهری موافق نبودن آن با طبیعت مرد و زن است. چندشوهری با روحیه‌ی انحصارطلبی مرد سازش ندارد. (ر. ک: مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸). پس با چندشوهری اصلاً خانواده‌ی شکل

۱. برای تفصیل اهداف و کارکردهای خانواده در اسلام مراجعه شود به: کتاب خانواده در اسلام تألیف حسین

بستان بخش اهداف و کارکردهای خانواده.

۲. و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا إليها ... روم/۲۱.

نخواهد گرفت چه رسد به تامین اهداف آن.

۵-۱-۳-۲. خانواده و تداوم نسل

نهاد خانواده با تولید مثل و مراقبت از فرزندان می‌تواند نسل بشر را از خطر انقراض نجات داده و بقای آن را تضمین نماید. نظر به تطورات تاریخی و وضعیت پر فراز و نشیب زندگی بشر، تولید مثل نیز یک فرایند نامتعادلی را طی نموده است؛ در جوامع ماقبل توسعه که بنا بر دلایلی میزان مرگ و میر بالا بود، تولید مثل نیز در سطح بالایی قرار داشته و موجب ثبات نسبی جمعیت گردیده است. اما در اثر پیشرفت علم، میزان مرگ و میر کاهش یافت و جهش جمعیتی بزرگی ایجاد گردید که حتی برخی دانشمندان از آن به عنوان بحران جمعیت یاد نموده است. در این اواخر نیز عوامل گوناگون، مانند صنعتی شدن جوامع، رفاه‌زدگی و ارزش‌های نوظهور در مورد انسان و خانواده، بشر مدرن را از تولید مثل باز داشت و با شعار "فرزند کم‌تر، زندگی بهتر" تغییرات چشم‌گیری در خانواده‌ها به وجود آورد. اما گذشته از پیامدهای مثبت یا منفی رشد سریع جمعیت، اصل تولید مثل یک ضرورت بشری است و میزان روبه‌فزاینده‌گی آن از منظر اسلام اولویت دارد.^۱ (ر.ک: بستان، ۱۳۹۰، ص ۳۰-۳۱).

در کنار این امر، نگاه‌داری و مراقبت از نوزاد ضرورت تشکیل خانواده را می‌رساند. در کانون گرم خانواده است که زن فارغ از دل‌مشغولی‌های معیشتی بار سنگین تربیت کودک را بر دوش حمل می‌کند. در نظام خانواده است که زن، مادری است عطف و هم‌سری است لطیف، هم‌چون قلب که روح زندگی را در کالبد خانواده می‌دمد. خانواده جهانی است که یک پادشاه دارد و یک ملکه. خانواده محیط پاک و صمیمی است برای بالیدن انسان. خانواده هم‌چون رجعت‌گاهی است که اعضای خود را در بازگشت از مراتع دورهم می‌نشانند. این وابستگی و عطف در نظام خانواده است که هیچ نهاد و مؤسسه‌ی نمی‌تواند جانشین آن گردد. نه "دایه" مادر می‌شود و نه "کودکستان" خانه. بناءً خانواده مناسب‌ترین جا برای تولید و پرورش فرزند است که اساساً با چندشوهری هم‌خوانی ندارد.

۱. روایت از حضرت پیامبر ص: تزوجوا فانی مکاثر بکم الامم غدأ فی القیامه. (بستان (نجفی) ۱۳۹۰، ص ۳۱)

به نقل از: حرالعاملی، وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳).

۵-۱-۳-۳. خانواده و مشروعیت بخشی به فرزندان

یکی از نکاتی که هم از نگاه جامعه‌شناختی و هم از منظر روان‌شناختی بسیار اهمیت دارد بحث مشروعیت بخشی به فرزندان است. روند طولانی رشد کودک می‌طلبد که کسی در تمام صحنه‌های زندگی حامی و مددکار او باشد. از مراقبت‌های تنظیفی و بهداشتی گرفته تا خورد و خوراک، و از تعلیم و تربیت تا تأمین نیازهای عاطفی و روانی کودکان، یک ضرورت اجتماعی است. تنها نهادی که به خوبی می‌تواند از پس این کار برآید نظام خانواده است؛ پدر و مادر نه فقط تمامی مسؤلیت فرزندان را عاشقانه می‌پذیرند، که در مراقبت و تربیت آن‌ها با دیگران به رقابت می‌پردازند. در کانون گرم خانواده است که پدر و مادر تلاش می‌نمایند تا بهترین فرزند را تحویل اجتماع بدهند. اما کدام فرزند این گونه عاشقانه مورد حمایت پدر قرار می‌گیرد؟ آن فرزندی که در محیط پاک خانواده و از یک پدر به دنیا آمده است یا فرزندی که از ازدواج زن با چندین مرد زاده شده است؟ یقیناً مرد فرزندی را می‌پذیرد که نسبت اش با او معلوم باشد، نه آن فرزندی را که آزمایشگاه به او نسبت بدهد.

فرق است میان فرزندی که در داخل یک خانواده زاده می‌شود و فرزندی که علم روز توسط آزمایشگاه به مرد نسبت می‌دهد. حتا در صورت اعتماد بر آزمایش‌های DNA اما از نگاه روانی نمی‌توان مرد را قناعت داد. به عبارت دیگر اگر آزمایشگاه بتواند معضل اختلاط نطفه‌ها را حل نماید، قناعت روحی و روانی پدر چیزی نیست که با آزمایش قابل حل باشد و این امر، تمرّد پدر از تربیت فرزند را در پی خواهد داشت. از سوی دیگر، فرزند نیز به دنبال یک مرجع مشخص خانوادگی است. او هم می‌خواهد منسوب به یک خانواده اصیل و دارای هویت و شخصیت اجتماعی باشد. فرزند نیز می‌خواهد اطمینان قلبی و درونی داشته باشد که پدر و مادرش واقعی هستند. برای او هرگز قناعت بخش نخواهد بود که توسط یک دست‌گاه دارای اصل و نسب شناخته شود. در این صورت آیا افسردگی و سردرگمی که عارض فرزندان می‌شود جامعه را به بحران نمی‌برد؟ البته باید گفت که چندشوهری، که دارای این پیامدها است، نه تنها روابط عاطفی پدر و فرزند را متزلزل می‌نماید، که ضررش خود زن‌ها را نیز تهدید می‌کند.

پس معقول‌ترین و سالم‌ترین راه که تمام این پیامدها را خنثی می‌سازد، حفظ نظام خانواده

سیر تاریخی زناشویی تا به اسلام * ۱۱۵

و پرهیز از تنوع طلبی زنان است. خانواده که زیربنای جامعه و مهم ترین نهاد اجتماعی است با چندشوهری شکل نخواهد گرفت. به فرموده استاد مطهری: «چندشوهری با اصل اطمینان پدری مخالف است. علاقه به فرزند، طبیعی و غریزی بشر است. بشر طبعاً می خواهد توالد و تناسل کند و می خواهد رابطه اش با نسل آینده و نسل گذشته مشخص و اطمینان بخش باشد، می خواهد بداند پدر کدام فرزند است و فرزند کدام پدر است. چندشوهری زن با این غریزه و طبیعت آدمی ناسازگار بوده است... زن در چندشوهری هرگز نمی توانسته است حمایت و محبت و عواطف خالصانه و فداکاری یک مرد را نسبت به خود جلب کند. از این رو چندشوهری نظیر روسپی گری همواره مورد تنفر زن بوده است. پس چندشوهری نه با تمایلات و خواسته های مرد موافقت داشته است و با خواسته ها و تمایلات زن.» (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸-۲۹۹).

۶. جمع بندی

ازدواج و تشکیل خانواده، که هم زیربنای اجتماع و هم یک نیاز مبرم و حیاتی در جامعه است، را می توان به چهار شکل قابل تصویر دانست: کمونیسم جنسی؛ چندشوهری؛ تعدد زوجات؛ تک همسری. مورد اول، یعنی کمونیسم جنسی، در هیچ جامعه و تاریخی صورت قانونی و رسمی نداشته و به مثابه یک امر منافعی طبیعت و مخالف فطرت انسانی از اساس مورد توجه قرار نگرفته است. فرم زناشویی به صورت تک همسری، که ایده آل ترین شکل تاریخی ازدواج در جوامع بشری بوده است، در اسلام نیز به عنوان بهترین نمونه تشکیل خانواده مورد پذیرش و صورت قانونی یافته است. اما آن شکل از فرم زناشویی که در این مقاله، نخست مشروعیت آن از منظر اسلام مورد بررسی قرار گرفته است، توجیه تعدد زوجات است؛ تا از این منظر بر چرایی نفی مشروعیت چندشوهری و عدم پذیرش آن از سوی دین اسلام توضیح ارائه گردد. بنا براین، گفته شد که تعدد زوجات بیش تر از آن که زایده سرشت زیاده خواهی مرد باشد، یک الزام و مصلحت اجتماعی است که ممنوعیت آن تبعات زیان آوری اجتماعی و روانی را در پی خواهد داشت. و آنگهی، پرسش از چرایی عدم مشروعیت چندشوهری در اسلام از اساس جایگاه طرح نمی یابد. زیرا بر این اساس، رسمیت یافتن چندزنی در اصل یک الزام اجتماعی است، نه یک دستور دینی؛ و مشروعیت آن در

اسلام نیز با توجه به همین ضرورت‌ها بوده است. در نتیجه، مسأله عدم جواز چندشوهری را هم بر همین مبنا تحلیل نمودیم. لذا گفته شد که عدم مشروعیت چندشوهری در اسلام و نیز عدم مقبولیت آن در جوامع دیگر از این جهت بوده است که این موضوع نه با مصلحت نظام خانواده و اجتماع سازگار است و نه با انتظارات زن و مرد از تشکیل خانواده می‌سازد. خواست طبیعی زن و مرد بر انحصار زناشویی است، و چنان که بررسی کردیم، حتی طبیعت زنان متفر از گزینش همسران متعدد است.

۷. منابع

۱. بستان (نجفی)، حسین، (۱۳۹۰)، خانواده در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۲. حسن صدر، (۱۳۱۹)، حقوق زن در اسلام و اروپا، تهران.
۳. زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمدتقی، (۱۳۹۰)، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، مرکز نشر هاجر، چاپ پانزدهم.
۴. فتاحی‌زاده، فتحیه، (۱۳۸۳)، زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول.
۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ چهل و ششم.
۶. منتسکیو، (۱۳۶۲)، روح القوانين، ترجمه علی اکبر مهتدی، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم.
۷. منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۱)، مسأله زن، اسلام و فمینیسم، تهران، برگ زیتون، چاپ اول.
۸. نوری، یحیی، (۱۳۴۳)، حقوق زن در اسلام و جهان، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، چاپ دوم.
۹. ویل دورانت، تاریخ تمدن، (۱۳۴۳)، ترجمه احمد آرام، ج ۱ و ۱۷، تهران، چاپ دوم.